بسم الله الرحمن الرحیم

سوره مبارکه معارج

آیت الله جوادی آملی با اشاره به آیات و روایات، صبر را آزادگی توصیف کرده و می گویند: **صبر یک مروءة و مردانگی است، یک آزادگی است. صبر یعنی «حریت» یعنی اگر کسی در برابر مشکلات ایستاد و به غیر خدا پناه نبرد و آزاده بود انسان صابر است.**

**صبر یعنی همان نبودن در دامنه ی ٭ اذا مسّه الشر جزوعا ٭ و اذا مسّه الخیر منوعا....**

و در بخشی از تفسیر آیه 153 سوره بقره (یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر والصلاه ان الله مع الصابرین ) تأکید می کند: خداوند آنجا که مسئله نماز مطرح است ، **نماز را با صبر ذکر می‌کند**، ولی اثر را به نماز می‌دهد .چراکه بسیار سخت است و **انسان خاشع** است که این بار سنگین را به مقصد می‌رساند﴿ آیه 45 سوره بقره : و استعینوا بالصبر و الصلاة و إنّها **لکبیرة** **إلاّ علی الخاشعین** ﴾ نه آنکه نسبت به خاشعین، کبیر نیست، یعنی حملش برای خاشعین میسور است وگرنه نسبت به خاشعین هم کبیر است. لذا وقتی ائمه(علیهم السلام) هنگام ادای نماز می‌شد ......«ترتعدُّ فرائصه» ......درباره امام مجتبی(ع) نقل است که دو پهلوی حضرت می‌تپید، ارتعاد داشت، حالت رعد داشت؛ چراکه ادای امانتی اینچنین سنگین بسیار سخت است.

**جامع‌ترین سوره‌ای که خصوصیّات نماز و آثار نماز را ذکرمی کند همین سوره مبارکه معارج است** .شناخت آثار مهم است چراکه **بین صحّت و قبول یک فرقی هست** ، در قیامت انسان روشن می‌شود و متوجه موضوع می شود. **اینکه گفتند: محاسبه کنید، یعنی آثار عبادات را در خود بیابید:** اگر دیدید **اثر** برای شما ثابت نشد، بدانید مؤثر نیامده است ، زیرا نماز مثلاً آن است که انسان را از زشتی باز بدارد **﴿ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر﴾** و آنگاه فرمود: وقتی که نماز این است به این نماز پناه ببرید از این نماز مدد بگیرید **﴿استعینوا بالصبر و الصلاة﴾ .**

**نماز اصلاح کننده پیامدهای سوء بعد طبیعی خلقت انسان است** .  **در سوره معارج آیه 20 به بعد می‌فرماید به اینکه: انسان یک فطرتی دارد و یک طبیعتی؛ فطرت انسان را در سوره مبارکه روم مشخص کرد که ﴿فأقم وجهک للدّین حنیفاً فطرت الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله﴾ این فطرت انسانی است که خدا را می‌خواهد، خدا را می‌طلبد و با فطرت توحید خلق شده است. یک طبیعتی هم دارد که بدن او از آن طبیعت تنظیم شده است که فرمود: ﴿انی خالق بشراً من طین ٭ فإذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین﴾ . آن فطرتش را به خود نسبت داد و آن طبیعتش را به گِل نسبت داد .**

**پیامدهای طبیعی انسان** به عنوان **دردهایی که از طبیعتش برخاسته** در سوره معارج ذکر شده است و نماز به عنوان کنترل کننده اصلی همان صفت **هلوع** انسان است.**﴿انّ الإنسان خلق هلوعاً ٭ اذا مسّه الشر جزوعا ٭ و اذا مسّه الخیر منوعاً﴾ .**

**راه درمان هلوع بودن، جذوع بودن، منوع بودن ، نماز است** ( **اِلا المصلّین﴾؛**  که همه این پیامدهای طبیعی را ترمیم می‌کند. نماز از فطرت برمی‌خیزد و سایه افکن است و این پیامدهای سوء طبیعی را رهبری می‌کند.

 در تبیین مفهوم **مصلین** در جوامع روایی آمده از بیانات معصومین(ع) است که : ا**گر کسی دائماً به یاد حقّ بود این مثل اینکه دائم الصلاة است.** گذشته از آن اگر کسی دائماً به فکر نماز باشد هم به این فکر است که نماز خوانده قبلی را باطل نکند به فحشا و منکر، هم به این فکر است که برای نماز بعدی یک غذای حلال و لباس حلال در برکند، این دائماً به فکر نماز است، این دائماً به فکر نماز است این‌چنین نیست که انسان دائماً در یکجایی مشغول رکوع و سجود باشد.

**اما آثار نماز** :

نماز آن است که انسان را به فکر **محرومین** متذکّر کند......انسان را به فکر **سائلین** متذکّر کند....... **نمازگزار به یاد روز**

**قیامت است ﴿و الذین هم من عذاب ربهم مشفقون﴾** ....... **نمازگزار از عذاب الهی هراسناک است ﴿إنّ عذاب ربهم غیر**

**مأمون﴾** و کسی از عذاب خدا در امان نیست...... **نمازگذار امانت‌دار است و وفای به عهد** **دارد** (إلاّ علی ازواجهم أو ماملکت أیمانهم فإنّهم غیر ملومین ٭ فمن ابتغیٰ وراء ذلک فاولئک هم العادون ٭ والذین هم **لأماناتهم وعهدهم راعون** ) ....... **نمازگزار به حق و عدل شهادت می دهد ﴿والذین هم بشهاداتهم قائمون﴾** ..... .**نماز گزار اهل** **رعایت حریم عفاف است ﴿و الذین هم لفروجهم حافظون﴾**

اگر در سوره عنکبوت، فرمود: ﴿ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر﴾ ، آن اصل کلی را در سوره معارج تشریح کرد : **نماز جلوی تکاثر را می گیرد** جلوی بی عفّتی را می‌گیرد، جلوی أمن از عذاب را می‌گیرد که أمن، أمن غافلانه است **.( چراکه انسان هلوع حب خیر لشدید دارد که اگر کنترل نشود می شود همان تکاثری که در برابر کوثر است . و صبر راه رسیدن به خیر شدید است.....باید خیر را شناخت و در راه رسیدن به آن صبر کرد و این نماز است است که به عنوان کنترل کننده اصلی صفت هلوع بودن انسان است .)**

**انسان گرچه فطرتاً الهی و صبور است، ولی طبیعتاً جَزوع و هلوع است**. نماز جلوی این هلع و جزع را می‌گیرد، ﴿واذا مسه الخیر منوعاً﴾ ﴿و اذا مسه الشر جزوعاً ٭ ... الا المصلّین﴾ ، **معلوم می‌شود که نماز یک نقشی دارد که صبر را هم تثبیت می‌کند**؛ از یک نظر صبر محصول نماز است و از یک طرفی هم به انسان گفته‌اند شما بر اطاعت هم صبر کنید حتّی صلات. به رسول اکرم فرمود: ﴿وامر أهلک بالصلاة واصطبر علیها﴾ . انسانی هم که نماز می‌خواند بر این طاعت صبر می‌کند .

**صبر غیر از سکوت است، صبر صفت انسان آزاده است. یک انسان آزادمنش صابر است، صبر، نه نشانه ذلت است، و نه سکوت، به معنای صبر است، نه تحمل ظلم به معنای صبر است، نه بی‌تفاوتی به معنای صبر است و نه کم‌حوصله‌گی. صبر اصولاً آن حرّیت و آزادی را می‌گویند.**

: ابی بصیر از امام ششم(ع) نقل می‌کند: «عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبد الله(ع) یقول: إن الحر حرٌّ علی جمیع أحواله» ؛ **یک انسان آزاده، آزاد است در همه حالات؛ چون حرّیت برای او ملکه است، حال نیست که گاهی آزاد باشد، گاهی برده. یک انسان آزاد، همیشه آزاده است: اگر یک نائبه و رویداد دردناکی به او اصابت کند، در برابر این رویداد صبر می‌کند، اگر مصیبت‌های دردناک فشار بیاورد، بکوبد او را، مندکش بکند، باز او شکسته نمی‌شود، اگر چه مقهور بشود، اسیر بشود، آسانی و یسر او به عسر و دشواری تبدیل بشود، در همه این حالات او آزاده است،** آن وقتی که به چاه افتاد آزاده بود، آن وقتی که به زندان افتاد آزاده بود، چیزی از آزادی او نکاست، نه قهر، نه استعباد . آن وقتی که او را به عنوان بنده فروختند:، گرچه به عنوان بنده خریده شد، ولی او در حقیقت آزاد بود و روح آزادگی داشت تاریکی جب و چاه و وحشت چاه او را از آزادی نینداخت، در همه حالات انسان آزاده بود، نه اهل گلایه و شکایت بود و نه اهل توسل به غیر حق.

آنگاه فرمود: **در اثر آزادی او خدای سبحان بر او منت نهاد که خدای سبحان آن جباری که اهل عُتُو و استکبار بود، بنده او قرار داد حضرت فرمود به اینکه این مخصوص یوسف صدیق نیست، هر امتی اگر صابر باشد، به جایی می‌رسد که دماغ آن مستکبران را به خاک می‌مالد و آنها که داعیه قدرت داشتند آنها را مقهور خود می‌کند و انسان صابر مأجور است.**

آیت الله جوادی آملی در پایان تفسیر آیه **153 سوره بقره** خاطرنشان می کند : پس **ان الله مع الصابرین به منزله «ان الله مع الاحرار**» است.